

به نام لاهور! مزدا

گرچه پیرامون ترکیب و سازمان ارتش اشکانی مانند ارتش هخامنشی مدرك‌های درست و کاملی در دست نیست، اما شرحی که مورخان معتبر رومی از رشادت و چالاکی و مهارت سوار نظام پارت در تیراندازی ذکر کرده‌اند و بنا بر آنچه از شرح رویدادهای جنگ‌های بین ایران و روم برمی‌آید، می‌توان گفت که پادشاهان اشکانی پیروزی‌های درخشان خود را در برابر رومی‌ها مدیون مانورهای برق‌آسا و دلاوری‌های این رسته هستند و شهرت و افتخار تاریخی سواران ایران در واقع از همین دوره آغاز می‌شود. پس در این که رسته‌ی اصلی و عمده‌ی ارتش ایران در دوران اشکانی قسمت سواران بوده محل تردید نیست و به علاوه رسته پیاده و اسواران‌های جماز هم به کار می‌رفته است. بنابر آنچه از گفته‌های مورخین رومی مانند پلوتارک، ژوستین و غیره برمی‌آید، سوار نظام ایران در زمان اشکانیان به دو قسمت ممتاز تقسیم می‌شده است: سوار سبک اسلحه ۳- سوار سنگین اسلحه

سوار سبک اسلحه

این رسته عامل حرکت و مانور و بیش‌تر برای اجرای حرکت‌های سریع، مانورهای پر وسعت، عملیات تأخیری، دستبرد، اکتشافات، پوشش و جنگ‌ان‌ها در تیراندازی به حدی بوده که اغلب در موقع تاخت به چابکی روی زمین برگشته و به طور قبیح‌تیر می‌انداختند و با این وصف تیرشان کمتر به خطا می‌رفت.

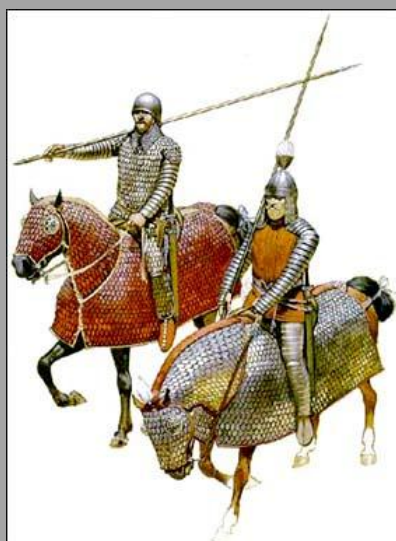


در آغاز نبرد دسته‌های سوار سبک اسلحه از چند طرف دشمن را مورد حمله قرار می‌دادند و تیرهای خود را به شدت بر سر دشمن می‌باریدند حتی اگر دشمن مبادرت به حمله می‌کرد از در آویختن با وی و مبارزه تن به تن دوری می‌کردند و به جنگ و گریز می‌پرداختند و همین که دشمن را مدتی دنبال خود می‌کشاندند و او را از هر حیث فرسوده و خسته می‌کردند، از جلوی او عقب نشینی کرده جای خود را به سوار نظام سنگین اسلحه واگذار می‌نمودند و آن‌ها با وارد ساختن ضربت‌های قطعی دشمن را کوبیده و متلاشی می‌ساختند. بنابر روایات برخی از مورخان کار دیگر سوارهای سبک اسلحه بلند کردن گردو غبار بود تا در پناه آن دشمن نتواند میزان استعداد یا سمت عقب نشینی آن‌ها را تشخیص بدهد.



سوار سنگین اسلحه

این رسته عامل ضربت و رزم نزدیک و تن به تن بود و به همین جهت این سوارها سراپا غرق در آهن پولاد می شدند. اسلحه تدافعی آنها عبارت از جوشن چرمی بلندی بود که تا زانو می رسید و روی آن قطعه‌هایی از آهن می دوختند، کلاه خود فلزی آنها طوری بود که پشت گردن و قسمتی از صورت را محفوظ می داشت؛ شلوارشان چرمی و تاروی پا می رسید و اسب‌های خود را با برگستوانی از چرم شتر می پوشانیدند که روی آنرا با قطعه‌هایی از آهن به شکل پر مرغ دوخته بودند و تمام این قطعه‌ها صیقلی و براق بود و بعضی از این سوارها سپرهایی از چرم خام یا فلز داشتند. اسلحه تعرضی آنها عبارت از یک نیزه بلند خیلی محکم بود که طول آن از دو متر تجاوز می کرد و قدرت نیزه‌زنی این سوارها به اندازه‌ای بود که اغلب با یک ضربت دو سرباز رومی را به هم می دوختند. یک شمشیر دو دمه کوتاه و یک کارد به کمر می بستند که آنها را در موقع گلاویز شدن با دشمن به کار می بردند.



برای دیدن ادامه عکسها و ادامه به ادامه مطلب بروید

این پست را از دست ندهید

پیاده نظام

در ارتش دوره اشکانی عده‌های پیاده نسبت به سوار خیلی کم و فقط برای حراست اردوگاهها و حفظ دژها و دربندها و انجام خدمات اردویی به کار می‌رفت.

اسواران‌های جماز (شتر سوار)

در بعضی موارد از جمله نبردهای اردوان پنجم با رومیان دیده شده است که در ارتش اشکانی اسواران‌های جماز هم بکار می‌رفته و در واقع قسمتی از سوار نظام سنگین اسلحه بوده، ولی در همین نبردها چون رومی‌ها با ریختن گلوله‌های کوچک خاردار روی زمین به پای شترها صدمه می‌زدند و از سرعت حرکت آن‌ها می‌کاستند. به این واسطه در دوره‌های بعد دیگر قسمت جماز به کار نمی‌رفت.

ارتشی از چریک‌ها

از روی نوشته‌های مورخین رومی این طور معلوم می‌شود که سواى پادگان‌های پایتخت یا شهرهای مهم دیگری که در فصول مختلف اقامتگاه سلطنتی بوده، همچنین پاسداران دژها و دربندهای مهم نظامی لشکریان پارت به صورت ارتش دایمی در مراکز معینی مجتمع نبودند و فقط در موقع جنگ احضار و به صورت چریک اداره می‌شدند. بیش‌تر افراد ارتش از اتباع سرکردگان و بزرگان پارت بوده و خود ایشان هم در جنگ شرکت می‌کردند. چنانکه ژوستین می‌گوید در جنگ سورن سردار اشکانی با کراسوس رومی چهارصد نفر از بزرگان پارت شرکت داشتند و عده سوارهای آن‌ها به پنجاه هزار تن می‌رسید. پلوتارک در موقع تعریف از سورن سردار شهیر آن دوره ایران می‌گوید: «سورن به تنهایی می‌توانست از اتباع خویش ده هزار مرد مسلح و مجهز در میدان جنگ حاضر نماید».

زندگی سربازان

سربازان پارت از حیث زندگانی خیلی ساده و قانع و بنابر عادت طایفگی و ایلیاتی اغلب در پشت اسب به سر می‌بردند و در سواری و تحمل سختی‌های جنگ و گرما و تشنگی به حدی پرطاقت بودند که مایه‌ی حیرت رومی‌ها می‌شدند. پارت‌ها از جنگ‌های شبانه احتراز می‌کردند و همین که هوا تاریک می‌شد دست از مبارزه می‌کشیدند و با دشمن قطع تماس می‌کردند و به مسافت خیلی دور از او اردو می‌زدند، زیرا از یک طرف عادت به خندق کنی و استحکام اردوگاه خود نداشتند و از طرف دیگر چون به اسب‌های خود خیلی علاقه‌مند بودند لازم می‌دانستند شبها به آنها استراحت بدهند.

شیوه‌ی رزم

پارت‌ها چون از فن محاصره و قلعه‌گیری اطلاع زیادی نداشتند اگر هم در بعضی از جنگ‌ها اسباب و آلات محاصره رومیان را به غنیمت می‌بردند آنها را بی‌درنگ خراب و منهدم می‌ساختند. از ارابه‌های داسدار و گردونه‌های دوره‌ه‌خامنشیان در ارتش اشکانی اثری دیده نمی‌شود زیرا شیوه‌های رزمی و عملیات سواره آنها اقتضای استعمال ارابه‌ها را نمی‌کرده است.

پارت‌ها در فصل زمستان زیاد مایل به جنگ نبودند و بعضی از مورخین رومی این‌طور تصور می‌کنند که چون مهارت آنها بیشتر در تیراندازی بود و در فصل زمستان به علت رطوبت هوا زه‌کمان‌ها سست می‌شد، تیرهای آنها کاری نبود. ولی بیشتر آنها بر این عقیده هستند که چون تأمین علوفه قسمت‌های بزرگ سوار در فصل زمستان نامقدور بود و اسب‌ها از کمی علوفه ناتوان و بی‌پای می‌شدند، از این رو حتی الامکان در این فصل از جنگ احتراز می‌ورزیدند.

سوارهای پارت در موقع حمله به دشمن رجز خوانی و هیاهو می‌کردند و طبل‌های کوچکی داشتند که با زدن بر آنها غلغله و صدای زیاد راه می‌انداختند.

در موقع مذاکره صلح رسم پارت‌ها این بود که زه کمان‌ها را می‌گشودند و با این حال به دشمن نزدیک می‌شدند. برای حمل آذوقه و علوفه و لوازم جنگی و به خصوص مقدار زیادی تیر که با خود حمل می‌کردند پارت‌ها دارای بنه‌های مرتب بودند و بیشتر از وجود شتر و ارا به استفاده می‌کردند.



دستاوردهای نظامی

به همین سواره نظام رشید و پر طاقت بود که پارت‌ها توانستند لژیون‌های فاخ و شکست ناپذیر امپراطوری روم را در ساحل فرات و دجله متوقف سازند و سرداران معروف و مغرور رومی را مانند کراسوس در نبرد « حران » نابود ساخته و قوای آنتوان سردار دیگر رومی را در مادکوچک (آذر بایجان) طوری شکست بدهند که سردار مزبور با تن دادن به عقب نشینی خفت‌آوری فقط جان خود را از چنگال سوار نظام رشید پارت نجات دهد. ژوستن مورخ رومی در توصیف سلحشوری سوار نظام پارت این طور می‌نویسد:

« باید با حیرت و تحسین به مردانگی و دلاوری پارت‌ها نگریم. چه پارت‌ها در اثر رشادت و جنگ‌آوری نه تنها مردمانی را که برایشان سیادت داشتند تابع خویش ساختند بلکه دولت روم را در زمانی که به اوج قدرت خود رسیده و سه مرتبه با بهترین سردارانش به ایران حمله ور شد، شکست دادند و در نتیجه معلوم شد پارت‌ها یگانه مردمی هستند که نه فقط با رومی‌ها برابرند بلکه فاخ لشکر روم بشمار می‌آیند.»



<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی